

## سیاست خارجی افغانستان در قبال پاکستان در دوران جمهوری محمد داود خان در چهار چوب نظریه هرمان

- محمد جعفر عیار \*
- علی بغیری \*\*
- محمدرضا صمدی \*\*\*

### چکیده

محمد داود خان اولین نظام جمهوری در افغانستان را تاسیس نمود و این موضوع ابعاد مختلف سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار داد. محمد داود خان که در آغاز سر ناسازگاری با کشور پاکستان داشت، با مرور زمان از این روابط استقبال نمود. سؤال اصلی چنین مطرح می‌شود که محمد داود خان در زمان جمهوری خویش چه سیاستی در خصوص پاکستان در دست گرفت؟ پاسخ این پرسش می‌تواند کمک برای شناخت هرچه بیشتر افراد از سیاست‌گذاری‌های خارجی محمد داود خان در قبال پاکستان کند، این موضوع می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد، ولی بدون تردید مسائل روانشناختی در این زمینه از اهمیت مطالعاتی برخوردار هستند. در این تحقیق با استفاده از نظریه روانشناختی هرمان سعی بر آن است تا سیاست خارجی دو کشور در دوران حاکمیت وی، مورد تحلیل قرار گیرد. روانشناسی سیاسی وی تحت تأثیر فاکتورهایی همچون نیاز

---

\*. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌المللی اهل بیت (علیهم‌السلام) (ayarjafar711@gmail.com).

\*. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (علیهم‌السلام) (Boghairyali@yahoo.com).

\*. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان (r.samadi169@gmail.com).

به قدرت و نفوذ، کنترل فردی، پیچیدگی، اعتماد به نفس، تمرکز بر حل مشکلات، بی اعتمادی یا بدگمانی عمومی فرد نسبت به دیگران و تعصب شدید درون گروهی بوده که روابط افغانستان با پاکستان را مؤثر ساخته است.

کلیدواژه‌ها: داودخان، خط دیورند، پاکستان، سیاست خارجی، روان‌شناسی سیاسی.

## مقدمه

محمد داود در تاریخ ۲۷ تیر ۱۲۸۸ در شهر کابل زاده شد. پس از پایان لیسه نظامی، در سال ۱۳۰۹ وارد دانشکده افسران اردو گردید. در دهه ۱۳۰۸-۱۳۱۸ وی در پست‌های گوناگون ایفای وظیفه نموده است. در سالهای ۱۳۲۷-۱۳۲۸ وزیر دفاع و از سال ۱۳۳۱-۱۳۴۱ بعنوان صدراعظم کشور بود که در این مدت اصلاحات بنیادینی چون نهضت بانوان، اعمار شاهراه و تأسیس تعدادی کارخانه‌های بزرگ را پایه‌گذاری نمود. ظاهرشاه پادشاه افغانستان او را در سال ۱۳۴۲ از مقام صدراعظمی افغانستان برکنار کرد.

در ۲۶ تیر ۱۳۵۲ با توسل به کودتای نظامی سرد، ظاهرشاه پسر کاکایش را از سلطنت خلع کرده، نظام جمهوری را بنا نهاد، وی از ابتدا دارای افکار چپی و ناسیونالیست قوی بود. از این رو با حزب دموکراتیک، به ویژه شاخه پرچم روابط نزدیک داشت. در اواخر سالهای قدرتش از مسکو و چپی‌ها فاصله گرفت و حتی در صدد نابودی ایشان برآمد. این اقدام باعث شد تا حزب دموکراتیک خلق دست به کودتای ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ بزنند و در همان سال او و هجده تن از اعضای فامیلش را در ارگ ریاست جمهوری افغانستان به قتل رسانیدند.

افغانستان تا قبل از تأسیس نظام جمهوری داودخان همواره تحت سیطره‌ای پادشاهان یکی پی دیگری قرار داشت و سیاست خارجی افغانستان نیز به استثنای دوره کوتاه شاه امان‌الله خان که مستقل فعال شده بود همواره تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ قرار داشت. بعضی از نویسندگان از داودخان به‌عنوان دیکتاتوری در سایه جمهوری و همچنان بعضی‌ها ادامه حکومت خاندانی نیز یاد کردند، چون محمد داودخان از خانواده شاهی گذشته کشور بود. محمد داودخان تغییرات زیادی در سیاست خارجی افغانستان به وجود

آورد. داودخان از نظر شخصیتی مستبد، ملی‌گرا، روشن‌فکر، اصلاح‌طلب، ضد آزادی، خستگی‌ناپذیر، در زندگی شخصی و خانوادگی بانظم و پرکار، بی‌علاقه به مال و منال دنیا و دارای زندگی ساده بود (غزنوی پ. ۱۳۸۹، ص. ۴۶۰-۴۶۴). که این خصوصیات آشکار او می‌تواند تحلیل و ارزیابی سیاست‌گذاری خارجی او را برای نویسندگان ساده سازد.

در این تحقیق به دنبال یافتن سیاست‌گذاری جدید خارجی افغانستان در روابط با پاکستان با روی کار آمدن نظام جمهوری هستیم، در خصوص اهمیت این تحقیق می‌توانم آشنایی با شرایط متأثر خارجی بر سیاست‌های توسعه در این برهه از تاریخ (۱۳۵۲-۱۳۵۷)، آشنایی با چرخش سیاست‌گذاری خارجی در افغانستان و همچنان لازم به ذکر است دولت پاکستان یکی از کشورهای همسایه و قدرتمند افغانستان و با داشتن طولانی‌ترین مرز از اهمیت قابل توجه برخوردار است. این بررسی با توجه به روابط ناهموار و متشنج از آغاز ظهور یا تولد کشور پاکستان تا اکنون امر مهم محسوب می‌شود.

تحقیقات و دیدگاه‌های موجود و مرتبط با موضوع مقاله موجود را می‌توانیم بدو دسته تقسیم نمود. دسته اول و تنها تحقیقی می‌باشد که سیاست خارجی محمد داود خان نسبت به پاکستان را غیر خصمانه و مسالمت‌آمیز می‌پندارد. آقای ابوذر پیرزاد غزنوی در فصل هفتم کتاب تاریخ سیاسی افغانستان معاصر به مسافرت‌های رسمی محمد داودخان از کشور، مناسبات و سیاست خارجی دولت جمهوری او پرداخته است، در این کتاب بیشتر از پانزده سفر محمد داودخان پرداخته است که دو سفر به کشور پاکستان داشته که سفر اول او در دوران صدر اعظمی بوتو و سفر دوم او در دوران صدر اعظمی جنرال ضیا الحق انجام شده است. در هر دو سفر محمد داودخان برای مردم پاکستان سخنرانی داشته و برای نزدیکی دو دولت-ملت حرف زده است و حسن نیتش را نسبت به کشور پاکستان نشان داده است (غزنوی ا. پ. ۱۳۹۳، ص. ۳۱۵-۳۵۰).

دسته دوم از تحقیقات کاملاً متضاد با دسته اول بوده، تاکید بر این دارد که سیاست خارجی محمد داودخان نسبت به پاکستان خصمانه بوده و عدم اعتماد میان دو دولت-ملت وجود داشته است. سید علی موسوی در کتاب تاریخ تحلیلی افغانستان از ظاهرشاه تا کرزی به چگونگی به قدرت رسیدن محمد داودخان، نفوذ او در ارتش پرداخته است.

همچنان نقش فعال افسران داود که در تشکیلات بنام سازمان انقلابی قوای مسلح گرد آمده بودند پرداخته و در قسمت سیاست‌گذاری خارجی محمد داودخان و رفع نگرانی کشورهای همسایه و ذی‌نفوذ در مسائل افغانستان و ایجاد دیپلماسی جدید در قبال کشورهای همسایه پرداخته است. همچنان به سیاست‌های کوبنده‌ای پاکستانی‌ها علیه محمد داودخان پرداخته است، در این کتاب آمده است پاکستانی‌ها مستقیماً با تبلیغات رادیویی محمد داودخان را شخص دیکتاتور و متعصب‌گرا می‌خواندند (موسوی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۰-۱۵۰). آقای سید محمد باقر مصباح‌زاده در فصل پنجم کتاب تاریخ سیاسی مختصر افغانستان به جمهوری استبدادی محمد داودخان کودتای ۲۶ تیر ۱۳۵۲، مخالفت محمد داودخان با بعضی از افراد قدرتمند خانوادگی سلطنتی و رقابت با آن‌ها پرداخته و یک دلیل کودتای او را رقابت او را با سرداران دیگر در به دست گرفتن قدرت می‌داند. در قسمت سیاست‌گذاری خارجی افغانستان با پاکستان دوره‌ای است که محمد داودخان به بهانه تجاوز هوایماهای پاکستانی به حریم هوایی افغانستان به پاکستان اعتراض کرده و جنگ تبلیغاتی دو کشور و شدت آن را در بهانه‌گیری محمد داودخان تجاوز هوایماهای پاکستانی می‌داند (مصباح‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۱-۱۶۳). آقای محمد یاسر میرزایی در مونوگرافش با عنوان بررسی سیاست‌های توسعه‌های جمهوری داودخان در افغانستان به سیاست‌های توسعه‌ای داودخان در زمان جمهوری وی پرداخته است. در نتایج بدست آمده این مونوگراف علل اختلاف میان افغانستان و پاکستان را مسئله پشتونستان می‌داند و منطقه پشتونستان را غصب شده از طرف پاکستان می‌داند، خط دیورند را مرز تحمیلی شده دانسته که توسط سیاست‌های بریتانیا طراحی شده و به مرحله اجرا گذاشته شده بود، موضوع پشتون‌نشین آن‌سوی دیورند برای پاکستان از بدو تأسیس آن کشور یک امر دردسرساز بوده است و زمامداران پاکستان همواره تلاش نمودند تا اوضاع را در افغانستان طوری ورق بزنند تا سران حکومت افغانستان فرصت نیابند تا فکر الحاق پشتونستان به افغانستان را به سر ببروراند و بالاخره به تأثیرپذیری سیاست خارجی افغانستان از اتحادیه جماهیر شوروی پرداخته است (میرزایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲-۴۰). آقایان میکایل وحیدی‌راد و

محمد یوسف شریفی در فصلنامه تاریخ پژوهی داودخان را معمار دوستی میان افغانستان و اتحادیه جماهیر شوروی شناخته و همچنان به دلیل مسأله پشتونستان داودخان با پاکستان میانه سازوگاری نداشته است و به همین دلیل با اتحاد شوروی روی آورده و مقامات کرملین نیز آرزوی دسترسی و فعالیت سیاسی در افغانستان را داشته. پس از اینکه شوروی در امور افغانستان مداخلات زیادی داشته محمد داودخان از اتحادیه شوروی دوری جسته (راد & شریفی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۴-۱۳۶). پژوهش‌های صورت گرفته در عرصه سیاست خارجی داودخان نسبت به پاکستان به صورت کلی پرداخته شده است و تخصصی در این عرصه کار آن چنانی صورت نگرفته است. پژوهش‌های انجام شده در کتابهای تاریخی میباید که سیاست خارجی محمد داود خان در قبال پاکستان را به صورت مشخص مورد بررسی قرار نداده است که میتواند کاستی در این خصوص باشد و انجام این تحقیق میتواند این کاستی را تکمیل نماید. در این پژوهش، پژوهشگر با استفاده از نظریه روانشناسی سیاسی در عرصه سیاست خارجی داودخان نسبت به پاکستان که پژوهش‌های دیگر پرداخته است می‌پردازد.

## چارچوب نظری

ذهن تصمیم گیران سیاست خارجی مملو از تجربیات، ارزش‌ها، عواطف، ویژگی‌ها، خاطرات، ادراک و ... می‌باشد (Sprout & Sprour, 1956, p. 41). فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، نهادهای سیاسی، ایدئولوژی و عوامل دیگر، در تصمیم گیرندگان اثرگذارند (محمود، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۷). برای تحلیل سیاست خارجی مکاتب و نظریه‌های مختلف داریم که میتوانیم از آنها در جهت تحلیل سیاست خارجی بپردازیم. در تحقیق حاضر پژوهشگر بدنیال ارزیابی سیاست خارجی افغانستان در قبال پاکستان در دوران جمهوری محمد داودخان با استفاده از نظریه روان شناسی سیاسی میباید. نظریه روان شناسی سیاسی میتواند در درک تصمیم گیرنده یاری رساند، ویژگی‌های فردی شخص، تحت شرایط خاصی (استرس زیاد، عدم اطمینان بالا، موقعیت مسلط رییس دولت در تصمیم گیری

سیاست خارجی) می‌تواند در درک انتخاب سیاست خارجی بسیار حیاتی باشد، هرمان که یک روان‌شناس بود هسته پژوهش وی، مولفه‌های فردی رهبران می‌باشد، وی که از چارچوب عملیاتی توصیفی در پیوند به تحلیل مطالب استفاده می‌کرد، قادر بود باورها، انگیزه‌ها، سبک‌های تصمیم‌گیری و سبک‌های تصمیم‌گیری میان رهبران را باهم مقایسه کند و در مقابل هم قرار دهد و همچنان هرمان این اطلاعات را در تصویر کل نگرانه از رهبران ادغام می‌کند (Smith, Hadfield, & Dunn, 2012, pp. 42-43). مهمترین چهره‌های که در تحلیل سیاست خارجی از عینک روان‌شناختی بودند، هارولد و مارگارت اسپروت بود. این دانشمندان باور داشتند که بدون مراجعه به مفروضات سیاست خارجی که ما را با راهبردها، تصمیم‌گیریها و مقاصد مرتبط است همراه کننده می‌باشد. باور بر اینست تا زمانی اقدامی وجود نداشته باشد دستاوردی وجود ندارد و ما چیزی برای تخمین زدن نخواهی داشت، دست آوردهای سیاست خارجی مستلزم اقدامات پیشین می‌باشد و برای توضیح تصمیم‌ها باید به محیط روانی افراد و گروه‌ها نگاه کرد که تصمیمات سیاست خارجی را اتخاذ می‌کنند. گاهی ممکن است نا سازوگاری میان ادراک و محیط عملیاتی بوجود آید، که باعث وضعیت رضایت نا بخشی منتهی گردد (Smith, Hadfield, & Dunn, 2012, pp. 27-28). ادراک درست از اطلاعات باعث تحلیل و بررسی دقیق موضوع، تحلیل و بررسی دقیق موضوع باعث تصمیم درست و در نهایت منتهی به نتیجه درست می‌گردد اما بلعکس موضوع را نیز میتوان تصور نمود که باعث شکست و نتیجه غیر مطلوب خواهد بود. ادبیات پیچیدگی و تجربه نشان می‌دهد، افراد از نظر آگاهی عمومی یا حساسیت نسبت به محیط اطراف خود بسیار متفاوت هستند. در واقع، افراد حتی در نیازهای شناختی عمومی خود به اطلاعات هنگام تصمیم‌گیری، به شدت متفاوت هستند: برخی ترجیح می‌دهند اطلاعات گسترده‌ای داشته باشند (Marthal, 2016, p. 103).

هرمان مجموعه‌ای از سبک‌های رهبری را کشف کرده است که به نظر میرسد راهنمای چگونگی رؤسای جمهور، نخست‌وزیر، پادشاهان و دیکتاتورها با کسانی که رهبری می‌

کنند یا با آنها تعامل دارند قدرت را به اشتراک بگذارید این سبک‌های رهبری بر اساس پاسخ به سه سوال ساخته شده اند: (الف) چگونه انجام شود رهبران به محدودیت‌های سیاسی در محیط خود واکنش نشان می‌دهند - آیا به محدودیت‌های سیاسی احترام می‌گذارند یا به چالش می‌کشند؟ (ب) رهبران تا چه حد نسبت به اطلاعات دریافتی باز هستند - آیا آنها به طور انتخابی استفاده می‌کنند؟ (ج) رهبران چه هستند دلایل جستجوی موقعیت‌های خود - آیا آنها توسط تمرکز درونی توجه در داخل هدایت می‌شوند؟ خودشان یا با روابطی که می‌توان با مؤلفه‌های برجسته ایجاد کرد؟ پاسخ به این سه پرس و جو نشان می‌دهد که آیا رهبر به طور کلی نسبت به آن حساس است یا بی‌احساس زمینه سیاسی و درجه‌ای که او می‌خواهد آنچه را که روی می‌دهد یا باشد کنترل کند عامل دیدگاه دیگران این پاسخ‌ها با هم ترکیب می‌شوند و رهبری خاص را پیشنهاد می‌کنند. در نظر گرفتن واکنش رهبران به محدودیت‌های سیاسی، ما علاقه‌مندیم که چگونه برای آنها مهم است که بر محیطی که در آن قرار می‌گیرند کنترل و تأثیر بگذارند خود و محدودیت‌هایی که محیط ایجاد می‌کند در مقابل سازگاری با آنها وضعیت و باز ماندن برای پاسخگویی به خواسته‌های داخلی و بین‌المللی حوزه‌ها و شرایط تحقیقات نشان داده است که رهبرانی که مستعد محدودیت‌های چالشی بیشتر به دنبال رویارویی با یک موقعیت و دستیابی به حل سریع است به یک موضوع، قاطع بودن و برخورد قاطعانه با مشکل لحظه‌ای دارند و انعطاف‌پذیری، زمان‌بندی سیاسی و ایجاد اجماع به عنوان ابزارهای مهم رهبری در نظر گرفته می‌شوند. از دید هرمان رهبرانی که نسبت به اطلاعات بازتر هستند گزارش شده است که نشانه‌گیرندگان هستند، هم مشکل را تعریف می‌کنند و هم موقعیت را با بررسی و شناسایی می‌کنند کارهای مهمی که دیگران از آن حمایت می‌کنند و انجام می‌دهند. چنین رهبرانی علاقمند به اطلاعاتی هستند که هم ناسازگار است و هم از گزینه‌های روی میز در حال حاضر حمایت می‌کنند

انگیزه‌های رهبران شیوه‌ای را تعریف می‌کنند که در آن آنها «به سوی زندگی جهت‌گیری می‌کنند». نه برای لحظه، بلکه به طور پایدار». انگیزه‌ها شخصیت آنها را

شکل می دهند، آنچه هست در زندگی آنها مهم است و آنها را به سمت عمل سوق می دهد. بررسی ادبیات کاوش انگیزه در رهبران سیاسی نیازها و انگیزه‌های مختلفی را پیشنهاد می کنند که افراد را به سمت این فرض سوق می دهد (Marthal, 2016, p. 8). استفاده از تحلیل صفات برای ارزیابی سبک رهبری مشخص شده است که هفت ویژگی در ارزیابی سبک رهبری مفید هستند. ۱: نیاز به قدرت و نفوذ، ۲: اعتقاد به اینکه فرد می تواند بر آنچه اتفاق می افتد تأثیر بگذارد یا کنترل کند، ۳: پیچیدگی مفهومی (توانایی تمایز دادن چیزها و افراد در محیط خود)، ۴: اعتماد به نفس، ۵: تمرکز بر حل مشکل، حفظ گروه و برخورد با حساسیت های دیگران، ۶: بی اعتمادی یا بدگمانی عمومی فرد نسبت به دیگران، ۷: تعصب شدید درون گروهی فرد (Marthal, 2016, p. 10). در ذیل جدول ترتیب شده توسط پژوهشگر بر اساس ویژگی ها و فرضیه های هرمان طراحی شده است و پژوهش بر اساس همین ویژگی ها و فرضیه ها انجام می گیرد.

#### جدول ۱: ویژگی ها، تعاریف و فرضیه ها برای ارزیابی سبک رهبری

ویژگی ها	تعریف	فرضیه ها
۱: نیاز به قدرت و نفوذ	نیاز به قدرت نشان دهنده نگرانی برای ایجاد، حفظ یا بازیابی قدرت یا به عبارت دیگر میل به کنترل، تأثیرگذاری یا داشتن تأثیر بر افراد یا گروه های دیگر.	۱: علاقه به کسب شهرت با یک عمل. ۲: سعی در متقاعد کردن دیگران همراه با رشوه و یا بحث. ۳: تلاش برای تنظیم رفتار شخص یا گروه دیگر. ۴: اقدام قوی و نیرومند را پیشنهاد می کنند (حمله، تهدید و اتهام).
۲: کنترل فردی	اعتقاد به اینکه فرد می تواند بر آنچه اتفاق می افتد تأثیر بگذارد یا کنترل کند.	۱: کمتر امکان تفویض اختیار را دارند. ۲: بر تصمیم گیری و اجرا کنترل دارند تا مطمئن شوند. ۳: علاقه مند به ملاقات رودررو با دیگر رهبران.
۳: پیچیدگی مفهومی		۱: ایدئولوگ هستند و بر اساس علل



<p>هدایت می شوند.</p> <p>۲: دلایل مختلفی میتواند برای یک موقعیت خاص ببیند.</p> <p>۳:علاقه مند رفتاری نامنظم و فرصت طلبانه.</p>	<p>درجه تمایز است که یک نمایش های فردی در توصیف یا بحث درباره افراد، مکان ها، سیاست ها، ایده‌ها یا چیزهای دیگر.</p>	<p>(توانایی تمایز دادن چیزها و افراد در محیط خود)</p>
<p>۱: تنظیم میزان حفظ سیستم خود تحت شرایط فشاری.</p> <p>۲. محرک‌های محیط با واسطه‌ی احساس شخص از خود ایجاد می‌شوند.</p>	<p>تصویر فرد از توانایی خود برای کنار آمدن کافی با اشیا و افراد.</p>	<p>۴: اعتماد به نفس</p>
<p>۱: تمایل دارد ایده‌ها را به ابعاد خوب-بد، سیاه-سفید، طبقه بندی کند.</p> <p>۲: به دنبال چشم اندازهای متنوعی هستیید برای سازماندهی.</p>	<p>تمرکز بر وظیفه تاکید نسبی یک رهبر در تعامل با دیگران بر روی معامله را نشان می دهد با مشکلاتی که دولت در مقابل تمرکز بر احساسات و نیازهای خود با آن مواجه است.</p>	<p>۵: تمرکز بر حل مشکل، حفظ گروه و برخورد با حساسیت های دیگران</p>
<p>۱: دشمنان ذاتاً تهدیدکننده تلقی می‌شوند و رهبران برای محدود کردن تهدید و ارتقای قابلیت‌ها و وضعیت نسبی کشورهای خود تلاش می‌کنند.</p> <p>۲: سیاست بین‌الملل حول مجموعه‌ای از مخالفان متمرکز است که به عنوان «شیطان» تلقی می‌شوند و قصد دارند ایدئولوژی خود را گسترش دهند یا قدرت خود را به بهای دیگران گسترش دهند.</p> <p>۳: تمرکز بر حذف تهدیدها و مشکلات احتمالی دارند.</p>	<p>از انجا که در عرصه بین‌الملل همه مستقل هستند باید به خود متکی باشند برای اینکه امنیت و دفاع داشته باشد و رهبران برای امنیت و دفاع ارتش‌های بزرگ می‌سازند.</p>	<p>۶: بی اعتمادی یا بدگمانی عمومی فرد نسبت به دیگران</p>
<p>۱: وابستگی های عاطفی قوی به این گروه وجود دارد.</p>	<p>دیدگاهی در جهان که در آن گروه خود (اجتماعی، سیاسی،</p>	<p>۷: تعصب شدید درون‌گروهی فرد</p>

قومی، و غیره) را در مرکز قرار میدهد.	۲: هر تصمیمی که گرفته شود به نفع گروه داخلی است.
---	---

(نگارنده)

بر اساس جدول فوق تحلیل اطلاعات بر اساس هفت ویژگی و تعریف که توسط پژوهشگر از آنها انجا شده است و با فرضیه‌های تعیین شده از نظریه هرمان موضوع سیاست خارجی افغانستان در قبال پاکستان در دوران جمهوری محمد داودخان مورد ارزیابی قرار میگیرد.

### نیاز به قدرت و نفوذ

نقش محمد داودخان در سیاست خارجی افغانستان را در دو مقطع میتوان مورد بررسی قرار داد، دوره صدارت که او نقش غیر مستقیم در سیاست خارجی افغانستان داشت و دوره ریاست جمهوری داودخان که وی به صورت مستقیم به عنوان رئیس جمهور افغانستان رهبری سیاست خارجی افغانستان را به عهده گرفت، او که در سال ۱۳۴۲ه.ش از قدرت کنار رفته بود و بدنبال قدرت و قرار گرفتن در راس سیاست‌گذاری بود و با یک عمل غیر منتظره (کودتا) در سال ۱۳۵۲ه.ش به قدرت رسید و آغاز کار جمهوریت نیز در افغانستان رقم خورد (غزنوی ا. پ.، ۱۳۹۳، ص. ۲۹). محمد داودخان انگیزه کودتایش را چنین بیان نمود: خاتمه دادن نظام شاهی و نجات وطن از بدبختی‌های نظام فاسد شاهی و پایان بخشیدن به سیاست غیر عادلانه و ضد ملی رژیم سلطنتی. او آوردن نظام جدید جمهوری را برای خدمت‌گذاری مردم، قایم ساختن دموکراسی، تداوم سیاست خارجی دولت جدید بر اساس بی‌طرفی و عدم انسلاک. تاکید بر ادامه دوستی همه جانبه و خلل ناپذیر با همسایه‌ی بزرگ شمالی اتحادیه جماهیر شوروی و تلاش برای گسترش آن مطرح کردن و پیگیری دوباره قضیه پشتونستان و تاکید مجدد بر اختلاف افغانستان و پاکستان (غزنوی ا. پ.، ۱۳۹۳، ص. ۳۸). محمد داودخان که شهرت ملی داشت از دموکراسی و جمهوریت ابزاری برای رسیدن به قدرت استفاده نموده چون جمهوریت را که او شکل داده بود فاقد ارزشهای یک نظام بود که به اراده مردم انتخاب گردیده باشد همچنان در بیاناتش برای مردم در جهت مشروعیت داخلی و خارجی و اقناع آنها از وجود

شرایط بوجود آورده خویش خاتمه نظام سلطنتی، مطلق و خودکامه و آوردن نظام جدید جمهوریت موافق با روحیه اسلامی و کوتاه ساختن خاندان سلطنتی از سیاست‌گذاری در کشور اعلام میداشت در صورتیکه سیاست‌گذاری وی ادامه سیاست خاندان شاهی در افغانستان بود. از جانب دیگر با اعلان کردن سیاست خارجی تضاد با پاکستان دشمن جدید برای مردم افغانستان معرفی نمود و توجه‌ها را از داخل کشور به بیرون جلب نموده و اقدام نیرومندی بود که با حمایت آزادی خواهان پشتونستانها سعی در تغییر سیاست گذاری پاکستان نمود و با کنترل بزرگان پشتونستان و بلوچستان و ایجاد بی ثباتی در پشتونستان و بلوچستان سعی در متقاعد ساختن پاکستان در انصراف از داشتن جغرافیای پشتونستان و بلوچستان داشت و بدنبال مهر بطلان بر معاهده دیورند بود.

### کنترل فردی

اولین رئیس جمهور افغانستان پس از پیروزی کودتای سفید و بدون خونریزی که در رأس قدرت قرار گرفت کار سیاست خارجی کشور را از همان نقطه‌ای آغاز کرد که ده سال قبل با استعفا از مقام صدارت در نظام شاهی صحنه سیاسی کشور را ترک گفته بود (فرهنگ، ۱۳۸۸، ص. ۸۹۵). سیاست خارجی داودخان در قدم نخست نزدیکی روابط و مناسبات در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم افغانستان با اتحادیه شوروی، تأمین روابط عادی و دوستانه با ایالات متحده آمریکا و جهان غرب، کشیدگی روابط با پاکستان بر سر مسئله حقوق بلوچ‌ها و پشتون‌های آن سوی خط دیورند زیر عنوان پشتونستان مستقل و همچنان تداوم روابط سرد با کشور همسایه غربی یعنی ایران بود.

اولین خط‌مشی را که رئیس جمهور آن زمان در افغانستان اعلان نمود معلوم می‌شود که هیچ تغییری در سیاست‌گذاری خارجی افغانستان به وجود نخواهد آمد و ادامه سیاست‌گذاری دوران صدارتش را دنبال خواهد کرد و به دنبال رشد اقتصادی افغانستان از طریق جلب کمک‌های اقتصادی کشورهای مختلف می‌باشد، ولی رئیس دولت دوباره به خط‌مشی سیاست خارجی افغانستان می‌افزاید اینکه ما با پاکستان که یگانه کشوری است که

روی قضیه پشتونستان با آن یک اختلاف سیاسی داریم و تاکنون به حل آن موفق نگردیده‌ایم، سعی دائمی ما برای یافتن راه حل قضیه پشتونستان دوام خواهد کرد (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۷). این سیاست محمد داودخان برای کشور پاکستان خوش‌آیند تلقی نگردید چون قبلاً این موضوع بین دو کشور برای مدتی طولانی به فراموشی سپرده شده بود از جانب دیگر رییس جمهور اعتماد چندی به کادرهای بالای دولتی خویش نداشت چون آن‌ها تجارب کافی در امور مملکت‌داری و روابط دیپلماتیک نیز نداشتند این موضوع سیاست خارجی محمد داودخان را دچار بحران و آسیب‌پذیری در برابر رقبایش چون پاکستان می‌ساخت؛ از طرف دیگر گروه و جناح پرچم بر سردار داودخان و برادرش محمد نعیم فشار وارد می‌کردند تا روابطشان هرچه بیشتر با اتحادیه شوروی گسترش یابد و از همکاری با ایران، پاکستان و کشورهای غرب که در رأس آن آمریکا قرار داشت پرهیز نماید، از جانب دیگر محمد داود خان قدرت نا مشروع داخلی خویش را پشت پرده پشتونیزم خواهی پنهان نموده و سر ستیز با پاکستان در پیش گرفته بود.

محمد داودخان در طول حکومتش در کشورهای زیادی خارجی سفر کرده است، او سفرهای زیادی را در کشورهای خارجی به هدف مذاکرات با مقامات دولتی و حکومتی مقامات خارجه خواستار جذب حمایت‌های سیاسی و کمک‌های اقتصادی بود. او تلاش داشت تا کمک‌های اقتصادی کشورهای خارجی را برای پروژه‌های هفت‌ساله‌اش جذب و در وضعیت مردم افغانستان تغییرات مثبت به وجود آورد، همچنان تلاش داشت تا پایه‌های حکومت کودتایی خود را با ارتباط و شناساندنش مستحکم سازد (غزنوی، پ. ۱۳۹۳، ص. ۳۱۳). در حکومت جدید جمهوری محمد داودخان وزارت خارجه به عهده خود رییس جمهور بود اما برادرش محمد نعیم را به‌عنوان نماینده خاص خود در سیاست خارجی وزارت خارجه تعیین کرده بود (سعادت، ۱۳۹۶، ص ۲۸۸). او که احساس میکرد افغانستان کشور کمتر توسعه یافته می‌باشد و از جانب دیگر از طرف شاه کنار زده شده بود و فرد با طرح و توسعه طلبی بود، این موضوع باعث عقده‌مندی او از شاه گردیده بود. او که دیگر راهی برای به قدرت رسیدن نداشت برای اجرای طرح‌های اصلاحی خویش دست به کوتاه زد ولی دوباره با عدم

مشروعیت مواجه گردید و به همین سبب ترس از نیروهای وابسته به شاه سابق و دوستداران شوروی باعث بی اعتمادی گردید و او در همه مسایل باید خود تصمیم می گرفت.

رییس جمهور افغانستان در ششمین سفر خارجی اش به دعوت ذوالفقار علی بوتو به تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۵۵ ه.ش به کشور پاکستان همسایه مسلمان انجام داد. در جریان این سفر با نخست وزیر آن وقت پاکستان بوتو ملاقات مفصلی داشت و علاوه بر آن در شهر لاهور سخنرانی نیز کرد. ایشان سخنرانی خویش را برای برقراری و استمرار روابط برادرانه مبتنی بر حسن نیت بین دو کشور ابراز نمود، که از طرف پاکستانی ها مورد استقبال قرار گرفت. هم چنان در پایان این سفر مقامات دو طرف بر ادامه ی سیاست تشنج زدایی و توسعه روابط دوستانه بین دو کشور، تأکید نموده بودند (غزنوی پ.، ۱۳۸۹، ص. ۳۳۶). از جمله دست اندرکاران سیاست خارجی کشور آقای دکتر رحیم شیرزوی سفیر آن وقت افغانستان در پاکستان این مسافرت محمد داود خان و پذیرایی دولت مردان پاکستانی (فضل الهی چودری رئیس جمهور و ذوالفقار علی بوتو صدراعظم) را بی سابقه و بسیار دوستانه می خواند. سفیر وقت افغانستان در پاکستان بیان میکند اینکه وقتی اولین پیام حسن نیت محمد داود خان را برای ذوالفقار علی بوتو سپردم، باورش نمی آمد، موصوف در پیام برای بوتو نوشته بود ما یک پاکستان و افغانستان قوی و متحد در منطقه می خواهیم. یعنی هر دو محتاج یکدیگر شده بودند (محمدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۲).

سفر دوم رییس جمهور افغانستان به پاکستان که دوازدهمین مسافرت خارجی او به خارج از افغانستان بود، در جریان این سفر ایشان مذاکرات را با جنرال ضیاء الحق رهبر جدید آن وقت پاکستان در اسلام آباد انجام داد. رییس جمهور در جریان این سفر که دومین و آخرین سفر او به پاکستان بود علاوه بر دیدار با سران احزاب، در جمع شهروندان لاهور در باغ شالیمار باز هم سخنرانی نمود، او در این سخنرانی بار دیگر بر موضوع برادری و دوستی بین دو کشور تأکید نمود و از پیوندهای تاریخی میان دو ملت یادآوری کرد. او به مردم پاکستان گفت که توانایی شما، توانایی ما است. برتری شما برتری ما است. و استحکام شما استحکام ما است... بیایید که در فضای گرم و برادرانه دست به دست هم

روان شویم و طی طریق نماییم. دعا می‌کنم آن روز به زودی بیاید که ارتباط فعلی برادرانه‌ی ما به یک حقیقت انکارناپذیر تبدیل شود... آرزو دارم که دوستی افغانستان و پاکستان پخته و پایدار باشد (غزنوی پ.، ۱۳۸۹، ص. ۳۴۱). محمد داودخان از سفر به پاکستان و مذاکرات خوشنود بود، به هر حال سفر مذکور نشان می‌داد که یخ‌های خصومت دیرینه بین دو کشور ذوب شده بوده، و گرمای دوستی و برادری بر روابط آینده‌ای دو کشور حکم فرما خواهد شد.

### پیچیدگی مفهومی

داود خان با حرکات ماریپیچی و نا سنجیده خویش شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را برای افغانستان متشنج و نا امن ساخت (محمدی، ۱۳۸۸، ۱۶۴). با ایجاد نظام جمهوری در افغانستان روابط میان دو کشور افغانستان و پاکستان با تنش آغاز گردید، او که دست به فعالیت‌های دیپلماتیک وسیعی زد در خصوص پاکستان گفت که روابط ما با پاکستان که یگانه کشوری است روی قضیه پشتونستان با آن یک اختلاف سیاسی داریم تا اکنون به حل آن موفق نگردیده‌ایم، سعی دائمی ما برای یافتن راه‌حل قضیه پشتونستان دوام خواهد کرد (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۷).

پاکستان احساس می‌کرد که با روی کار آمدن نظام جمهوری در افغانستان به رهبری محمد داودخان مشکلات زیادی برای پاکستان به وجود خواهد آمد، بنابراین با دقت فراوان متوجه افغانستان بود. از این رو به تاریخ ۲۸ تیر ۱۳۵۲ رژیم جمهوری افغانستان را به رسمیت شناخت. ولی آشکار بود که با به قدرت رسیدن محمد داودخان در افغانستان زیر پای رهبران پاکستانی به آتش مبدل شده بود. در روابط خارجی پاکستان این طرز تفکر روزه‌روز رشد و گسترش می‌یافت که محمد داودخان نسبت به همه رهبران افغان سخت‌گیر و انعطاف‌ناپذیر می‌باشد به همین طریق آن‌ها نیز روش خشن و شدیدی را در برابر قضیه پشتونستان در پیش گرفتند، زیرا فکر می‌کردند که در اواخر نظام شاهی مسئله پشتونستان دیگر به فراموشی سپرده شده است و حالا که باز محمد داودخان را در عرصه قدرت دیدند که این شخص خطرناک و غیرمسئول بود که بدون کدام ضرورت به منظور اهداف بی‌جای

خویش این موضوع دور از حقیقت را بار دیگر زنده و احیاء می‌کند (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۵). تعدادی کمی از دوستان خارجی پاکستان بیانیه‌ها و اعلامیه‌های گذشته افغانستان را در رابطه با مناسب از پاکستان و افغانستان باهم مقایسه نکرده بودند از این جهت همدردی و همکاری هرچه بیشتر خویش را با پاکستان ابراز داشتند و اکثر این مقایسه متن‌های گذشته سیاست خارجی افغانستان در زمان نظام شاهی و حکومت‌های گذشت انجام می‌شد (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۵). موقف محمد داود خان در مورد قضیه پشتونستان به وزارت خارجه پاکستان و دیپلمات‌های آن تلاش کردند تا برای آن عده از کشورهای که پیرامون آسیای جنوب غربی معلومات و آگاهی لازم را داشتند این طرز تفکر را القا نمایند که افغانستان به پشتیبانی هند و اتحادیه شوروی در صدد تجزیه پاکستان می‌باشد، آن‌ها بیان می‌کردند که رهبران افغان موضوع پشتونستان را به خاطر پیش می‌کشند که توجه مردم افغانستان را از مشکلات داخلی به سوی دیگر معطوف دارند و زمامداران افغانستان زیر عنوان خودمختاری پشتون‌ها و بلوچ‌های پاکستان به موجودیت پاکستان آزاد صدمه وارد کنند.

به تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۵۲ حکومت پاکستان حالت اضطرار را در صوبه سرحد اعلان داشت، زیرا در آن صوبه مردم بلوچ و پشتون برای به دست آوردن حقوق خویش علیه حکومت مرکزی دست به تظاهرات زده بودند، اوضاع آنجا متشنج شده می‌رفت و حکومت مرکزی پاکستان دست به تظاهرات زده بودند و اوضاع آنجا متشنج شده می‌رفت. حکومت افغانستان اعلان اضطراری را در سرحد یک بهانه‌ای برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های برادران پشتون و بلوچ می‌دانست. بدین ترتیب بحران سیاسی و اجتماعی در داخل پاکستان شدت کسب می‌کرد و به خصوص در بلوچستان پاکستان مردم دست به قیام زدند و تعدادی از بلوچ‌ها در اثر فشار اردوی پاکستان به افغانستان پناهنده شدند. تمام این تشنج‌ها که در صوبه سرحد به وجود آمده حکومت پاکستان آن را مداخله افغانستان در امور داخلی پاکستان می‌دانست (فرهنگ، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۱). روابط افغانستان و پاکستان هنگامی به وخامت بیشتر گرائید که پاکستان در ماه مرداد سال ۱۳۵۳ عده از افراد مربوط به مخالفان را که تعدادشان رو به افزایش بود و همچنان منسوبین اردو و محصلان پوهنتون

کابل را به سوی خود جلب کرده بودند و در این بین ۲۰۰ تن از آن‌ها را حکومت ذریعه پولیس مخفی که در اجتماعات آن‌ها نفوذ کرده بود دستگیر کردند. این گروه‌ها خواهان به وجود آوردن جمهوری اسلامی در افغانستان بودند و مخالفت با آن‌ها برای محمد داودخان کافی بود که آن‌ها را دستگیر کند. جناح پرچم در دستگاه دولت به خصوص وزیر داخله فیض محمدخان بر محمد داودخان فشار می‌آورد که در برابر خطر جناح مذهبی به‌سختی ایستادگی کند و آن‌ها را سرکوب نماید. قبل از موج این دستگیری پنجاه تن از این مخالفان به شمول رهبر این گروه استاد برهان‌الدین ربانی استاد شرعیات پوهنتون کابل بود همراه با جوانان دیگر یعنی گلبدین حکمتیار که جوانان را رهبری می‌کرد به پیشاور رفتند. صدراعظم پاکستان ذوالفقار علی بوتو پناهنده شدن استاد برهان‌الدین ربانی و گلبدین حکمتیار را نعمت فراوان دانسته درصدد استفاده از آن‌ها بر علیه دولت جمهوری محمد داودخان برآمد که این گروه را مسلح ساخت و به جنگ‌های چریکی علیه داودخان گسیل داشت. هم‌زمان با آن اوضاع در صوبه سرحد در بلوچستان رو به وخامت بود، زیرا فعالیت‌های نظامی پاکستان با تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۵۳ بیشتر شده می‌رفت و موجب وخامت اوضاع بین افغانستان و پاکستان می‌گردید. به این ترتیب بشیر بابر شارژدفر سفیر پاکستان در کابل به وزارت خارجه افغانستان احضار گردید و اعتراضیه رسمی دولت افغانستان در مورد تجاوز مکرر طیارات نظامی آن کشور با قلمرو فضایی افغانستان به وی سپرده شد. اما حکومت پاکستان افغانستان را مسئول تشنج بحران و انفجارات در بلوچستان پنداشت. در حالیکه به تاریخ ۱۹ مرداد ساعت ۹:۳۰ دقیقه یک هلیکوپتر قوای هوایی پاکستان را در علاقه‌داری (ناری) ولایت کنر مجبور به نشست ساخته و تمام سرنشینان آن توسط ژاندارم سرحدی افغان دستگیر گردیدند که دو روز بعد از تمام اتاشه‌های نظامی کشورهای دوست تقاضا به عمل آمد تا از آن هلیکوپتر پاکستانی در ولایت کنر بازدید نمایند. حکومت پاکستان در این زمینه سکوت اختیار نمود ولی بازهم حکومت پاکستان افغانستان را متهم ساخت که در پشتونستان و بلوچستان بر علاوه ادعای مالکیت آزادی خواهان را در اردوگاه خاص تربیت می‌کند و به خاک پاکستان می‌فرستند و



باعث تشنج اوضاع در پاکستان می شوند. حکومت افغانستان این ادعای پاکستان را از طریق وزارت خارجه افغانستان رد کرد و افزود که رفتار ناسالم و برخورد ظالمانه حکومت پاکستان بر علیه بلوچها و پشتونها باعث اوضاع جاری در پاکستان شده است و پاکستان را نسبت به تجاوز طیارات آنها بر حریم فضایی افغانستان متهم کرد (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۲). اوضاع بلوچستان هر روز وخامت بیشتر کسب می کرد که در اثر برخورد قوای مسلح پاکستان عده زیادی به قتل رسیدند و عده‌ی هم به افغانستان پناهنده شدند. در چنین وضع سردار محمد داودخان به تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۵۳ ضمن پیامی عنوان سرمنشی کشورهای کنفرانس اسلامی و سران کشورهای مسلمان و همچنان پیامی به سرمنشی ملل متحد فرستاد که باید از کشتار دسته جمعی اردو پاکستان ممانعت به عمل آورند و به خصوص از اخطار ذوالفقار علی بوتو که اگر آزادی خواهان بلوچ تا پانزدهم اکتبر همان سال تسلیم نشوند، بمباران عام دهات را آغاز خواهد کرد و انتقاد نمود و توجه آنها را برای ختم بحران خواستار گردید. ذوالفقار علی بوتو اجلاس سران کشورهای اسلامی را در پاکستان برگزار نمود در این اجلاس از طرف افغانستان عبدالرحمان پژواک به حیث نماینده با صلاحیت معرفی شده بود و در افغانستان مسله پشتونستان را در این اجلاس مطرح کرد، پاکستان محمد داودخان را به دیکتاتوری و تبعیض متهم کرده، از همین جا بود که سردار محمد داودخان به این نتیجه رسید که موضوع مشکلات پشتونها و بلوچها با پاکستان در سطح بین‌الملل مورد پذیرش نیست و بنابراین در جهت تغییر سیاست با پاکستان گام بر می داشت. با وجود یک عملیات نظامی پاکستان در بلوچستان مهاجرت مردم بلوچ به افغانستان مناسبات دو کشور را تیره ساخت و همراه با این تیرگی روابط تبلیغاتی علیه یکدیگر اوج گرفت درحالی که رادیو افغانستان حکومت پاکستان را به تعرض علیه حقوق پشتونها و بلوچها به اتهام می بست از جانب پاکستان افزون بر تبلیغات در رسانه‌های گروهی شخص صدراعظم پاکستان ذوالفقار علی بوتو ثقلت کلامش را علیه حکومت افغانستان و به خصوص در برابر شخص سردار محمد داودخان متوجه ساخته و او را به عنوان دیکتاتور، خودکامه و تبعیض گرا محکوم می کرد و مردم افغانستان را به شورش

علیه او تشویق می‌کرد، این تبلیغات همراه با شورش ماه سرطان ۱۳۵۴ در افغانستان همزمان بود که در نتیجه محمد داودخان این شورش را سرکوب کرد، تشنج و بحران همچنان در روابط هردو کشور ادامه یافت و تا امروز ادامه داشته است. کشور پاکستان از بدو تولد دارای پیچیدگی است که بخش از آنها باعث قدرتمندی آن کشور نیز می‌باشد. دشمنی دیرینه پاکستان و هند و مسائل حل نشده بین آن دو در کشمیر (فرزین نیا و ایاز، ۱۳۹۵، ص. ۶۰). همچنان مشکلات مرزی هند و چین بر سر آروناچال‌پرادش که تحت حاکمیت هند است و ادعای هند بر سر آکسای که تحت حاکمیت چین می‌باشد (پاک زاد، ۱۳۹۷، ص. ۳۷). باعث گردیده پاکستان از موقعیت خاص بیشترین استفاده را ببرد و در سیاست حمایت دشمن؛ دشمن خویش. پاکستان همکار خوبی با چین گردد.

### اعتماد به نفس

داشتن اعتماد به نفس را نمیتوان پدیده بدی در خصوص رهبران سیاسی و فرد اول واحد سیاسی در نظر گرفت، اعتماد به نفس میتواند بسیار خوب در سیاستگذاری باشد و از طرفی واقعینانه بودن آن مهم قلمداد میشود. محمد داودخان بدلیل اینکه در خانواده شاهی بزرگ شده، تربیت یافته بود و در نهایت تجربه لازم برای حکومتداری داشت و اقدامات زیادی را انجام داده، محمد داودخان در اولین سال‌های حکومت خویش سیاست‌گذاری تهاجمی علیه کشور پاکستان داشت. او از پشتون‌ها و بلوچ‌های آن‌سوی خط دیورند حمایت می‌نمود و در جستجوی یکجا کردن خط دیورند که قبلاً از خاک افغانستان جدا شده بود تلاش می‌کرد (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۳۹۳). محمد داودخان با اعتماد به نفس بالای در سخنرانی‌های کودتایش را تنها راه برای دموکراتیک سازی افغانستان معرفی می‌نمود و اقدام دیگری چون لغو قانون اساسی و پارلمان آنوقت، فشارها بر محافل حمایت از شوروی و آزادی زندانی‌های سیاسی دوران شاه انجام داد ولی پس از مدتی تقابل محمد داودخان دانست اسناد موجود همچنان کشورهای منطقه و بین‌الملل حق نمی‌دهند و این باعث گردید محمد داودخان در سیاست‌گذاری خارجی خویش به‌خصوص در حوزه پاکستان در تعامل شود. او که قبلاً در

سال‌های اول حکومتش با پاکستان در تقابل بود ولی در سال‌های اخیر حکومتش همکاری و دوستی میان دو کشور برقرار نمود.

### تمرکز بر حل مشکل، حفظ گروه و برخورد با حساسیت‌های دیگران

در افغانستان هنگامی که در ماه حمل ۱۳۵۵ باران‌ها موجب سیلاب‌ها و تکان‌های زلزله شدید خساراتی را به بار آورده بود که باعث نگرانی‌ها در داخل و خارج کشور گردید و خساراتی را به بار آورده بود که باعث نگرانی‌ها در داخل و خارج کشور گردید و عواطف جهانی را برای کمک به آسیب دیدگان برانگیخت، بنابراین ذوالفقار علی بوتو از این اوضاع و فرصت مناسب استفاده نموده و ضمن یک بیانیه رادیویی پیشنهاد کمک‌های را مانند غله، خیمه/چادور و کمپل کشورش را به آسیب دیدگان سیلاب‌ها و زلزله‌ها در ولایات شمالی افغانستان ابراز داشت که با وجود برخی از مخالفت‌های سردار محمد داود خان امر پذیرش آن را صادر کرد که طی اعلامیه از طرف وزارت خارجه افغانستان این ابراز همدردی و کمک پاکستان مثبت تلقی گردید. وزارت خارجه افغانستان امکان یک ملاقات میان محمد داود خان و بوتو را مورد مطالعه قرار داده بود و در عمل دور نبود و حتی امیدوارکننده به نظر می‌رسید، بنابراین بوتو این دعوت رئیس دولت افغانستان را با عجله پذیرفت و تاریخ این بازدید از هفدهم تا بیستم خرداد ۱۳۵۵ تعیین گردید، بوتو برای حسن نیت بیشتر قبل از سفر به کابل به گونه آشتی‌جویانه خان عبدالغفار خان رهبر پشتون‌ها را از زندان آزاد کرد و به تاریخ هفدهم خرداد ۱۳۵۵ وارد کابل گردید و در مذاکرات رو در رو با سردار محمد داود خان قرار گرفت. در این مذاکره بوتو اظهار داشت که من به افغانستان آمده‌ام تا مشکلی که بین دو کشور موجود است حل گردد، ما راجع به این مشکل مبادله افکار نمودیم، مذاکرات در یک فضای دوستانه و صمیمانه صورت گرفت و زمینه خیلی مساعد را برای درک حقایق موضوع را فراهم ساخت که روابط بین دو کشور بهبود یافته می‌تواند و مذاکراتی که در آینده صورت می‌گیرد زمینه همکاری را در ساحات مختلف فراهم خواهد ساخت (ره‌نمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۰).

رئیس جمهور افغانستان محمد داودخان در آغاز مذاکرات با صدر اعظم پاکستان ذوالفقار علی بوتو موقف و موضوع دولت خویش را پیرامون اختلافات با پاکستان چنان توضیح کرد که در بیانیه‌های رسمی انتشار یافته بود و علاوه بر آن ادعاهای هر دو جانب که طی سالیان متمادی میان دو کشور اسلامی ناراحتی به وجود آورده بود باید به یک راه حل قابل قبول برای هر دو طرف بیانجامد، نه اینکه حالت درهم و برهم را برای هر دو کشور به وجود آورد که برای امنیت و آرامش هر دو کشور باعث زیان‌بار گردد. در این میان کشورهای وجود دارند و نمی‌خواهند مناسبات پاکستان و افغانستان بهبود یابد و اشاره محمد داودخان به اتحادیه شوروی بود، زیرا به صورت مستقیم در این مذاکرات با پاکستان از گرفتن نام اتحادیه شوروی خودداری کرد و افزود که برای آن‌ها باید موقع داده نشود که از تشنج در روابط با پاکستان و افغانستان خرسند گردند، از این رو محمد داودخان نسبت روابط جغرافیایی، تاریخی و سایر مناسبات تزلزل‌ناپذیر و تصامیم خلل‌ناپذیر اسلام پافشاری کرد که می‌تواند میان دو کشور همسایه عرصه‌های متعدد معنوی را به وجود آورد و گفت که افغانستان و پاکستان هر دو به خاطر رشد اقتصادی خویش به صلح و امنیت ضرورت دارند. افزون بر آن نخستین آرزو حکومت افغانستان بهتر کردن حالت اقتصادی است و نیز علاوه کرد که بدون پیشرفت سریع و هدفمند وجود یک افغانستان آزاد در خطر است، با اعتقاد محمد داودخان زمانی فرا خواهد رسید که افغانستان و پاکستان که همسایه مسلمانانند مجبور خواهند گردید به منظور اهداف مشترک باهم یکجا کار نمایند، همکاری اقتصادی بین دو کشور آنقدر وسیع و ضروری می‌باشد که در راه تأمین این روابط اقتصادی هر دو کشور تلاش‌های مخلصانه کنند و از آن سود بگیرند و با خویش‌شناسی محیط خود را بهتر نمایند و هیچ دلیلی وجود ندارد که اختلافات با آبرومندی حل نشود، دوستی نزدیک پاکستان و افغانستان نه تنها برای این کشور سودمند می‌باشد، بلکه برای استحکام مناسبات در منطقه نیز ارزشمند است. محمد داودخان توضیح داد که برخلاف اعتقاد بعضی از دولت‌ها افغانستان معتقد نیست که فرپادشی و سرنگونی پاکستان را تماشا کند، موجودیت یک پاکستان قوی به نفع افغانستان است (غزنوی پ.، ۱۳۸۹، ص. ۳۳۵). محمد داودخان افزود کمک به پشتون‌ها

و در ساختن حقوق آن‌ها افغانستان نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد، آنچه بر سر بلوچ‌ها می‌گذرد احساس نیک همسایگی ما را مخدوش می‌سازد، ما می‌خواهیم پاکستان جنگ را در آنجا متوقف کرده و راه اعاده حقوق بلوچ‌ها را هموار سازد. این طرز اعتقادات محمد داودخان نسبت به مردم پشتون و بلوچ در پاکستان همان شیوه گذشته وی را پیرامون پشتون‌ها و بلوچ‌ها تداعی می‌کند ضمناً روشن شد که محمد داودخان از روش جدیدی رهبری پاکستان را در جریان مذاکرات مستقیماً زیر تأثیر صحبت‌های سیاسی خویش مبنی بر حل اختلافات از طریق مذاکره و رویارویی در آورد، زیرا تجربه سال‌ها گذشته نشان داده که از طریق فشار نظامی نمی‌توان به اهداف خویش نائل شود و این بار می‌خواهد بر حریف پاکستانی‌اش در میدان مذاکره غالب شود.

در پاسخ رئیس جمهور افغانستان محمد داودخان صدراعظم پاکستان اظهار داشت که از سفر خویش در افغانستان ابراز خوشنودی می‌کند و مقصد از سفر او آن است که روابط میان افغانستان و پاکستان بهتر شود و مسئولیت خویش می‌شمارد که در راه ایجاد روابط نیک به افغانستان تلاش نماید. در ختم این مذاکرات که هر دو جانب ابراز رضایت خویش را نشان دادند اعلامیه مشترکی انتشار یافت مبنی بر اینکه جانبین راجع به روابط دوجانبه افغانستان و پاکستان مذاکرات و تبادل افکار صریح و مفیدی دوستانه به عمل آورده به منظور حل اختلافات سیاسی و سایر اختلافشان بر اساس پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و به مقصد حفظ تقویت فضای مساعد و دوستانه فعلی و به هدف رسیدن به حل نهایی و شرافتمندانه این اختلاف هر دو طرف موافقت کردند تا فعلاً از تبلیغات خصمانه علیه یکدیگر در مطبوعات خویش خودداری نمایند. آقای بوتو در ضمن از محمد داودخان برای بازدید رسمی از پاکستان دعوت نمود که از طرف محمد داودخان با خوشی پذیرفته شد. پس از انتشار این اعلامیه در کابل روابط میان دو کشور رو به بهبود گذاشت و راه ترانزیت برای تجارت افغانستان گشاده شد. پطارات نظامی پاکستان دیگر به حریم هوایی افغانستان تجاوز نکردند.

به تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۵۶ جنرال ضیاءالحق رئیس شورای عالی قوت‌های نظامی پاکستان با انجام کودتا زمام امور را به دست گرفت (فرهنگ، ۱۳۸۸، ص. ۸۹۴). رژیم ذوالفقار علی بوتو را

سرنگون ساخت و در پاکستان حکومت نظامی استقرار یافت که در اثر آن فعالیت‌های سیاسی متوقف شد که عکس‌العمل نخستین افغانستان در برابر این تغییرات در پاکستان زمینه خوب نداشت ولی با گذشت زمان تماس میان محمد داودخان و جنرال ضیاءالحق پدید آمد، زیرا رژیم جدید در پاکستان به خاطر استحکام هرچه بیشتر مواضع بین‌المللی خویش به فعالیت وسیع دیپلماتیک دست زد. جنرال ضیاءالحق محمد داودخان را آگاه ساخت که حکومتش اعلامیه مشترک افغانستان و پاکستان را که در زمان دولت بوتو صدور یافته بود او نیز پذیرفته است، امیدوار و آرزومند است که نه تنها روحیه کابل را عملی خواهد کرد بلکه آن را رشد و تقویت مزید خواهد بخشید و از محمد داودخان تقاضای ملاقات را کرد از جانب دولت افغانستان از او دعوت به عمل آمد که می‌تواند در کابل مسافرت کند.

جنرال ضیاءالحق در ماه مهر ۱۳۵۶ وارد کابل شد و با محمد داودخان دیدار خصوصی را انجام داد (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۱). در این مذاکرات جنرال ضیاءالحق از تحولات اوضاع افغانستان در پاکستان برای محمد داودخان معلومات ارائه داشت و نقش قوت‌های مسلح پاکستان را در سقوط حکومت ذوالفقار علی بوتو بیان نمود محمد داودخان نیز مختصر از بهبود روابط در هنگام دولت بوتو با افغانستان یادآوری نمود و آرزومند خود را در راه حل افتخارآمیز با مذاکرات ابراز کرد و جنرال ضیاءالحق وعده سپرد که تمام موانع را از سر راه صلح به صورت عاجل بردارد و افزون بر آن گفت این نکته ضروری است که هر دو کشور مسلمان همسایه برای زندگی برادرانه تلاش بکنند و دشمنی فعلی میان افغانستان و پاکستان هر دو کشور را به خطراتی زیادی مواجه کرده است (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۱). و بدین ترتیب به ملاحظه رسید که میان این شخصیت‌ها رابطه خوبی برقرار گردید و محمد داودخان در آغاز سال آینده موافقت خود را برای مذاکره در پاکستان اظهار داشت.

### بی‌اعتمادی یا بدگمانی عمومی فرد نسبت به دیگران

حکومت پاکستان از بدو تاسیس جمهوریت در افغانستان حکومت محمد داودخان را متهم می‌ساخت که مسئولیت خرابکاری، انفجار بمب‌ها و قیام‌های مردم صوبه سرحد و سایر نقاط

را در پاکستان به عهده دارد (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۹). رادیو افغانستان حکومت پاکستان را به تعرض علیه حقوق پشتونها و بلوچها اتهام می بست از جانب پاکستان افزون بر تبلیغات در رسانه های گروهی و شخصی صدراعظم پاکستان ذوالفقار علی بوتو ثقلت کلامش را علیه حکومت افغانستان و به خصوص در برابر شخص محمد داودخان متوجه ساخت و او را به عنوان دیکتاتور خودکامه و تبعیض گر محکوم میکرد (رهنمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۹). آغاز سال ۱۳۵۲ اوج تیرگی روابط افغانستان و پاکستان در یک دهه اخیر بود. محمد داودخان رئیس دولت افغانستان در آبان سال ۱۳۵۳ با ارسال نامه ای به دبیر کل سازمان ملل متحد از دولت پاکستان شکایت کرد و عملکرد آن دولت را در نادیده گرفتن حقوق مردم پشتون و بلوچ مورد انتقاد قرار داد و خواستار دخالت این سازمان در راستای تامین حقوق پشتونها و بلوچها گردید.

دولت افغانستان به حمایت های نظامی از مخالفین دولت اش پرداختند و تنش های منطقه ای وارد مرحله ای جدیدی گردید. در این زمان بلوچ های پاکستانی به شورش گسترده علیه حکومت پاکستان دست زده بودند. پاکستان، افغانستان را متهم میکرد که به بلوچ های شورشی کمک های مالی و نظامی میکند و آن ها را به ادامه شورش علیه پاکستان تشویق مینماید. حرکت های نظامی ارتش افغانستان در ننگرهار تحت عنوان مانور نظامی و گسترش قیام در بلوچستان وضعیت پاکستان را بسیار آشفته کرده بود تا جای که پاکستان دست به اقدام نظامی زد و بدین ترتیب فتنه وحشتناک خاتمه یافت. نقش محمد داودخان در ایجاد وضعیت خصمانه در پاکستان بیشتر از هر کسی بود. محمد داودخان شخصیت های معروف پشتونستان را مانند خان عبدالولی خان، اجمل خان و غیره را به کابل دعوت نموده و برای آنها پول و اسلحه فراوان تادیه کرد. عده ای از جوانان و شورشیان بلوچ را در نواحی کندهار تحت تعلیم و تربیت نظامی باز داد و یک کمپ تعلیم و تربیه نظامی برای جوانان پشتونستانی در دامنه کوه ولایتی نزدیک سیاه بینی کابل تحت نظارت گارد ریاست جمهوری برپا نمود. آنها مدت دوماه در کمپ تحت تعلیم و تربیه نظامی قرار میگرفتند و بعدا به پاکستان فرستاده میشدند، در میدان سیاست دشمنان ذاتاً تهدید کننده است و دولتها برای محدود نمودن تهدیدها قابلیت هایشان را افزایش میدهند، پاکستان نیز

آرام نه نشسته طوری که پاکستان تا امروز الزام‌های پاکستان و این کشور را به یک بازی ترور در افغانستان وارد کرده است و همچنان گزینه غیر از همکاری با ایالات متحده امریکا نیز ندارند (محبوبی، شهوند، & عظیم زاده، ۱۳۹۳، ص. ۷). این بازی‌های ترور پاکستان است که عدم اطمینان دولت مردان افغانستان محمد داود خان و دیگران و تا امروز وجود دارد.

گروه ویژه افغان‌ها زیر نظر و فرمان کلنل محمد یوسف برای سرپرستی و هماهنگی در جنگ ایجاد شد تعدادی از افسران بخش عملیات پنهانی آی اس آی آموزش‌های لازم را در امریکا دیدند و تعداد زیادی از کارشناسان عملیات پنهانی سیا به آی اس آی ملحق شدند تا در عملیات ضد شوروی با کمک گرفتن از مجاهدین افغان شرکت کنند. اهداف آی اس آی چنین می‌باشد: حفاظت از منابع پاکستان و امنیت ملی داخل و خارج کشور؛ تحت نظر گرفتن گسترش نظامی و سیاسی کشورهای همسایه که نسبت مستقیم با امنیت ملی پاکستان، سیاست خارجی و نحوه جمع‌آوری اطلاعات داخلی و خارجی هماهنگی وظایف اطلاعاتی بین نیروهای سه گانه ارتش رسانه‌ها و فعالان سیاسی جامعه پاکستان؛ نظارت دقیق بر کادر خارجی‌ها و در نتیجه نظارت بر دیپلمات‌های سایر کشورها که در پاکستان مقیم اند و دیپلمات‌های پاکستان که خارج از پاکستان فعالیت می‌کنند (شفیعی، اقبال، & ثالثی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۰).

به گفته نصیرالله خان بابر، که در آن زمان به عنوان بازرس کل سپاه سرحدی خدمت می‌کرد، دولت ذوالفقار علی بوتو شروع به حمایت از ضد ارتش کرده بود. جنبش مقاومت داود در افغانستان در اوایل سال ۱۳۵۲ در قالب تهیه سلاح و آموزش مخفی چریکی به منظور مقابله با این گونه اقدامات نمود و رهبران اسلام‌گرای افغانستان برهان الدین ربانی و گلبدین حکمتیار توسط دولت بوتو به عنوان ابزاری برای مقابله با طرح‌های خصمانه حکومت محمد داودخان در نظر گرفته شدند. بعدها در زمان حکومت ضیاءالحق در پاکستان، حکمتیار و ربانی به دریافت بودجه، آموزش و تجهیزات از اداره اطلاعات بین‌سرویس پاکستان (آی اس آی) ادامه دادند. هر دو رهبر همچنین با جماعت اسلامی پاکستان روابط خوبی داشتند (Sial, 2013, pp. 1-2).



## تعصب شدید درون‌گروهی فرد

پاکستان در طول سده اخیر، یکی از کانون‌های اصلی ترویج و رشد بنیادگرایی اسلامی بوده است به گونه‌ای که نه تنها خود پاکستان بل کشورهای دیگر نیز غیر قابل‌تأثیرپذیر نبوده است (امینی، اطهری، و نورا، ۱۳۹۸، ص. ۱۹۱). افغانستان از جمله کشورهای تأثیرپذیر از اندیشه‌های بنیادگرایی بوجود آمده داخل پاکستان بوده است. ناسیونالیسم پشتون در صدد تشکیل کشوری از قوم پشتون است، که این مسأله با منافع پاکستان مخالف است و همین امر نیز روابط بین پاکستان و افغانستان را بر بنیاد خصومت و سوء تفاهم شکل داده و این خصومت ۶۰ سال ادامه یافته است (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳) بناً نمیتوان گفت تنها محمد داود خان بدنبال ایجاد پشتونستان بوده.

یکی از بزرگترین گروه‌های قومی در پاکستان، پشتونها هستند. آنها عمدتاً در خیبر پختونخوا و برخی از مناطق بلوچستان با حضور متغیر در سایر مناطق پاکستان نیز متمرکز هستند. پشتونها به عنوان یک گروه قومی مهم در افغانستان دارای سنت چند صد ساله است (ur-Rahman, 2012, p. 24). محمد داود خان تعهد عاطفی عمیقی به آرمان پشتونستان داشت؛ این ممکن است ارتباطی با این واقعیت داشته باشد که پدر بزرگ وی، سلطان محمد خان، آخرین والی افغان پیشاور بوده است (Mukerjee, 1975, p. 306). ایجاد پشتونستان مستقل در سیاست خارجی افغانستان، هزینه‌های زیادی را به دوش حکومت افغانستان گذاشت. این شعار کاملاً مبهم و آرمانی بود. پشتونستان برای حزب عوامی ملی پاکستان به رهبری عبدالغفار خان، بیانگر هویت سیاسی بود، اما برای داود خان یک ایده بلند پروازانه بود که نه تنها هیچ‌گاه تحقق نیافت، بلکه تاوان سنگینی را روی دوش حکومت و مردم افغانستان بار نمود (سجادی، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۴) محمد داود خان بدنبال پیوستن پشتونهای که توسط معاهده دیورند در زمان عبدالرحمان خان با بریتانیا جدا گردیده بود، اما سیاست‌گذاران بریتانیا آنروز تخصص زیادی در مورد ژئوپلیتیک دارا بودند طوری که دهه‌ها است از خاورمیانه و آسیا خارج شدند اما هنوز هم مشکلات در این مناطق ردپای آن در

سیاست‌گذاری بریتانیا پیدا میشود، آنها بدنبال بی‌ثباتی دایمی در این منطقه بوده و بصوت هدفمند این مشکلات را ایجاد نموده و بدون حل خارج شدند. محمد داودخان نیز بدلیل اینکه خط مرزی دیورند از قلب مردم پشتون گذشته و مردم پشتون که دارای یک فرهنگ، ارزشها و ایدئولوژی مشترک هستند را از هم جدا ساخته و خود وابسته به همین گروه قومی بود تعلقات عاطفی قومی باعث تنش بی سابقه و مصارف گزاف در پس‌گیری آن جغرافیا و ادغام سازی دوباره پشتونهای که جدا گردیده بود گردید.

## نتیجه

در حکومت جمهوری داودخان پاکستان یگانه کشوری بود که دولت افغانستان با آن سر ناسازگاری و خصومت‌بار در پیش گرفته بود. در این اختلاف مهم‌تر از همه انگیزه‌های نپذیرفتن خط دیورند وجود داشت، همچنین ادعای دفاع از حقوق پشتون‌ها و بلوچ‌های داخل خاک پاکستان بار دیگر به تیرگی روابط بین دو کشور منجر شد. اما این اختلافات خیلی دوام پیدا نکرد و داودخان مجبور شد که در رابطش با پاکستان تجدیدنظر کند و روابط گرم و دوستانه‌ای را با پاکستان روی دست گیرد. این باعث شد که سیاست خارجی داودخان از حالت تهاجمی به تدافعی تغییر کند و افغانستان با پاکستان در سیاست خارجی همسو و هماهنگ باشد، آنچه که باعث این هماهنگی و تعامل میان دو کشور در این برهه زمانی گردید ملاقات سران هر دو کشور و درک هم دیگر میباشد. در جدول ذیل مجموع از نتایج بدست آمده از فرضیات هرمان از روان‌شناسی سیاسی میباشد و بشکل ژرفی نشان میدهد بی‌اعتمادی و بدگمانی رهبران سیاسی نسبت به یکدیگر بود و برای پیشگیری از یکدیگر دست به حمایت از مخالفان سیاسی همدیگر، آموزش مخالفان سیاسی و فراهم نمودن تجهیزات نظامی برای آنها انجام دادند و در نهایت متوجه شدند این اقدامات برای هر دو جانب مخرب میباشد.

### جدول ۲: ویژگی‌ها، فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری

ویژگی‌ها	فرضیه‌ها	نتیجه‌گیری‌ها
----------	----------	---------------

<p>۱: اقدام و اجرای کودتا.                  ۲: خاتمه دادن نظام شاهی و نجات وطن از بدبختی‌های نظام فاسد شاهی و پایان بخشیدن به سیاست غیر عادلانه و ضد ملی رژیم سلطنتی.                  ۳: آوردن نظام جدید جمهوریت موافق با روحیه اسلامی.                  ۴: اعلام سیاست خارجی تضاد با پاکستان.</p>	<p>۱: علاقه به کسب شهرت با یک عمل.                  ۲: سعی در متقاعد کردن دیگران همراه بارشوه و یا بحث.                  ۳: تلاش برای تنظیم رفتار شخص یا گروه دیگر.                  ۴: اقدام قوی و نیرومند را پیشنهاد می‌کنند (حمله، تهدید و اتهام).</p>	<p>۱: نیاز به قدرت و نفوذ</p>
<p>۱: محمد داود خان برادرش محمد نعیم را به‌عنوان نماینده خاص خود در وزارت خارجه تعیین کرده بود.                  ۲: وزارت خارجه به عهده خود رییس جمهور بود.                  ۳: دو مرتبه سفر به پاکستان داشته و با رهبران انوقت پاکستان بوتو و ضیاالحق ملاقات داشته است.</p>	<p>۱: کمتر امکان تفویض اختیار را دارند.                  ۲: بر تصمیم‌گیری و اجرا کنترل دارند تا مطمئن شوند.                  ۳: علاقه مند به ملاقات رودرو با دیگر رهبران.</p>	<p>۲: کنترل فردی</p>
<p>۱: سعی دائمی برای ادغام پشتونستان.                  ۲: مردم پشتون و بلوچ را زندانی پاکستان میدانست.                  ۳: از پشتونها در پاکستان حمایت مینمود اینک تظاهرات کنند و جنگ‌های چریکی انجام دهند.</p>	<p>۱: ایدئولوگ هستند و بر اساس علل هدایت می‌شوند.                  ۲: دلایل مختلفی میتواند برای یک موقعیت خاص ببیند.                  ۳: علاقه مند رفتاری نامنظم و فرصت طلبانه.</p>	<p>۳: پیچیدگی مفهومی (توانایی تمایز دادن چیزها و افراد در محیط خود)</p>
<p>۱: در دست گرفتن سیاست تقابل با پاکستان تا سرحد شکل‌گیری جنگ میان افغانستان و پاکستان.</p>	<p>۱: تنظیم میزان حفظ سیستم خود تحت شرایط فشار.</p>	<p>۴: اعتماد به نفس</p>

<p>۲: محمد داودخان پس از مدتی رفتار تهاجمی علیه پاکستان را تغییر داد.</p>	<p>۲: حفظ ثبات در رفتار.</p>	
<p>۱: مثبت تلقی نمودن وزارت امور خارجه افغانستان از کمک‌های پاکستان برای حادثه طبیعی زلزله افغانستان. ۲: برنامه ریزی وزارت امور خارجه افغانستان پس از کمک پاکستان برای ملاقات رو در روی رهبران هر دو کشور.</p>	<p>۱: تمایل دارد ایده‌ها را به ابعاد خوب-بد، سیاه-سفید، طبقه بندی کند. ۲: به دنبال چشم اندازهای متنوعی هستید برای سازماندهی.</p>	<p>۵: تمرکز بر حل مشکل، حفظ گروه و برخورد با حساسیت های دیگران</p>
<p>۱: اعلام حالت نظامی در مناطق مرزی پاکستان و افغانستان توسط حکومت پاکستان و بمب باران چند روستای افغانستان. ۲: هر دو کشور دست به پناه دادن مخالفان داخلی دولت رفیب، آموزش، مسلح و گسل برای جنگ‌های چریکی کردند. ۳: محمد داودخان مخالفان را تحت تعقیب قرار داد و آنها در پاکستان فرار نمودند و در مقابل پاکستان نیز شورش‌های آن سوی دیورند را سرکوب نمود و آنها در افغانستان پناه آوردند.</p>	<p>۱: دشمنان ذاتاً تهدیدکننده تلقی می‌شوند و رهبران برای محدود کردن تهدید و ارتقای قابلیت‌ها و وضعیت نسبی کشورهای خود تلاش می‌کنند. ۲: سیاست بین‌الملل حول مجموعه‌ای از مخالفان متمرکز است که به عنوان «شیطان» تلقی می‌شوند و قصد دارند ایدئولوژی خود را گسترش دهند یا قدرت خود را به بهای دیگران گسترش دهند. ۳: تمرکز بر حذف تهدیدها و مشکلات احتمالی دارند.</p>	<p>۶: بی اعتمادی یا بدگمانی عمومی فرد نسبت به دیگران</p>
<p>۱: محمد داودخان خود پشتون بود و پدر بزرگش آخرین والی پیشاور بود. ۲: ادغام پشتونهای پاکستانی با افغانستان باعث یکپارچه شدن آنها میشد ولی محمد داودخان فراموش نموده بود اینکه اقوام دیگر نیز در</p>	<p>۱: وابستگی های عاطفی قوی به این گروه وجود دارد. ۲: هر تصمیمی که گرفته شود به نفع گروه داخلی است.</p>	<p>۷: تعصب شدید درون‌گروهی فرد</p>

افغانستان زندگی دارند و نباید همه تمرکز را بر پشتونها گذاشت.		
---	--	--

(نگارنده)

همچنان مساله مهم دیگر در جدول فوق چگونگی مدیریت وزارت امور خارجه افغانستان برای ملاقات میان رهبران سیاسی است که منجر به حل مشکلات و کاهش تشنج میان دو کشور گردیده بود میباشد.

## کتابنامه

- اطاعت، ج. و احمدی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل ژئوپلیتیک روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها. سیاسی بین‌المللی.
- امینی، ع. و اطهری، س. و نورا، ع. (۱۳۹۸). نقش مساجد و مدارس مذهبی در بنیادگرایی مردم پاکستان. مطالعات هنر اسلامی.
- پاک زاد، ف. و پاک زاد، ز. (۱۳۹۷). عوامل همگرایی و واگرایی در روابط اقتصادی - سیاسی، هند - چین (۲۰۱۵-۲۰۰۱). راهبرد سیاسی.
- راد، م. و و شریفی، م. ی. (۱۳۹۸). زمینه‌های سیاسی هجوم شوروی بر افغانستان پس از انقلاب اردبشت و تاثیر آن بر حیات سیاسی افغانستان. تاریخ پژوهی.
- رهنمد، ع. (۱۳۹۲). تاریخ روابط بین‌الملل افغانستان. کابل: خراسان.
- سجادی، ع. (۱۳۹۹). سیاست خارجی افغانستان. کابل: صبح‌آمید.
- سعادت، ع. (۱۳۹۶). تاریخ تحولات سیاسی افغانستان معاصر. کابل: بنیاد اندیشه.
- شفیعی، د. و اقبال، ا. و ثالثی، ز. (۱۳۸۹). نقش سرویس اطلاعاتی پاکستان در طولانی شدن بحران امنیتی افغانستان. آفاق امنیت.
- غزنوی، ا. پ. (۱۳۹۳). تاریخ سیاسی معاصر افغانستان. تهران: عرفان.
- غزنوی، پ. و. (۱۳۸۹). تاریخ سیاسی افغانستان معاصر کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ و جمهورت داودخان. تهران: عرفان.
- فرزین‌نیا، ز. و ایاز، ب. (۱۳۹۵). مناسبات راهبردی جدید چین و پاکستان و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای جنوب آسیا. فصلنامه سیاست خارجی.
- فرهنگ، م. (۱۳۸۸). افغانستان در پنج قرن اخیر. کابل: عرفان.
- محبوبی، ق. و شهوند، ش. و عظیم‌زاده، ج. (۱۳۹۳). حضور نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان (۲۰۱۱-۲۰۱۱). جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام.
- محمدی، غ. (۱۳۸۸). پشتونستان خواهی عامل تباهی افغانستان. کابل: سعید.

محمود، ی. ف. (۱۳۸۷). مقدمه بر تحلیل سیاست خارجی. مطالعات راهبردی.  
مصباح زاده، س. (۱۳۸۸). تاریخ سیاسی مختصر افغانستان. تهران: مرندیز.  
موسوی، س. (۱۳۸۸). تاریخ تحلیلی افغانستان از ظاهرشاه تا کرزی. افغانستان: بلخ.  
میرزایی، م. (۱۳۹۵). بررسی سیاستهای توسعه های جمهوری داودخان افغانستان. کابل:  
دانشگاه کاتب.

Marthal, G. (2016). *Assessing Leadership Style A Trait Analysis*. UK, Rutledge:  
psychology.

Mukerjee, D. (1975). *Afghanistan under Daud: Relations with Neighboring  
States*. University of California Press.

Sial, S. (2013). *Pakistan's role and strategic priorities in Afghanistan since 1980*.  
noref norweg an peacebulding resource center.

Smith, s., Hadfield, E., & Dunn, T. (2012). *Foreign policy, Theorys, Actors and  
Mepard Studues*. Oxford: Oxford University.

Sprout, H., & Sprour, M. (1956). *Man-milieuu Relationship Hypotheses in the  
context of inthernational politics*. prenceton: prenceton university press.

ur-Rahman, H. (2012). *Pak-Afghan Relations during Z.A. Bhutto Era: The  
Dynamics of Cold War*. Pakistan Journal of History and Culture.

